



وحدت اسلامی از نگاه آیت الله بروجردی

آیت الله سید حسین طباطبایی بروجردی از جمله مراجع برجسته و عالمان بزرگی بود که همواره موضوع وحدت مسلمانان و تقریب مذاهب اسلامی را در کانون توجه خود داشت.

شیعه نیز: آیت الله سید حسین طباطبایی بروجردی از جمله مراجع برجسته و عالمان بزرگی بود که همواره موضوع وحدت مسلمانان و تقریب مذاهب اسلامی را در کانون توجه خود داشت.

ملاحظه اوضاع نابسامان مسلمانان، سیطره کفار بر کشورهای اسلامی و غلبه روحیه عداوت و بدبینی بین مسلمانان، مسایلی بودند که عزم وی را برای وحدت و همدلی مسلمانان راسخ تر نمود. وسعت اطلاعات آن مرجع نو اندیش از منابع حدیثی، فقهی، رجالی و تاریخ اهل سنت، در کنار اشراف کاملش به منابع شیعی، به وی چنان قدرتی داده بود، که می‌توانست تشابهات و تفاوت‌های بین مذاهب را تحلیل کرده، اندیشه تقریب مذاهب را تا جایی که اصول و مبانی آن مذاهب اجازه می‌دهد، پیش ببرد. حمایت مادی و معنوی مستمر آیت الله بروجردی از دارالتقریب که در سال 1327 شمسی در قاهره و با دبیر کلی شیخ محمد تقی قمی شکل گرفت، نشانگر اهتمام وی به وحدت و انسجام مسلمانان است، و شاید در میان مراجع شیعی کسی را نتوان یافت که به پایه معظم له در راه تقریب بین مذاهب اسلامی کوشیده باشد، نظر به اهمیت دیدگاه shy&های او ما بر آن شدیم سیری در اندیشه تقریبی او داشته باشیم. کسی که بتواند به خوبی آرا و دیدگاه ایشان را در این زمینه شرح دهد غیر از آیت الله واعظ زاده خراسانی نبود، ایشان از شاگردان برجسته آن بزرگوار و از کوشندگان راه تقریب است، در مقاله حاضر، تاثیر پذیری‌ها، دیدگاه‌ها و نوآوری‌های و تلاش‌های تقریبی آیت الله بروجردی را شرح داده است.

&171#; اندیشه دینی»

یکی دیگر از داعیان اصلاح و انسجام اسلامی و تقریب مذاهب در قرن اخیر مرحوم آیت الله العظمی بروجردی طباطبایی به شمار می‌رود. آن مرحوم پس از مرجع کبیر آیت الله اصفهانی (م 1325ش) به مرجعیت عام پیروان اهل بیت (ع) نائل گردید. او از جمله عالمان متبحر در علوم رجال و حدیث شیعه و اهل سنت بود. وی چه قبل از مرجعیت عمومی و چه بعد از آن، همواره به امور مسلمانان عموماً، و به امر وحدت و زدودن تفرقه‌های فراوان و نزدیک کردن فرقه‌ها و اجتماع آنان تحت لوای اسلام، اهتمام می‌ورزید، تا آنجا که در سال shy&های آخر عمر که من از نزدیک شاهد بودم هیچ گاه از این فریضه مهم اسلامی غافل نبود.

اینجانب، پس از رحلت آن مرد بزرگ در سال 1380 هجری قمری در سن 88 سالگی، بارها در مقالات و مصاحبه‌های خود، راجع به زندگی و نقش علمی و اصلاحی او سخن گفته‌ام، از جمله کتابی به عنوان &171#;زندگی آیت الله العظمی بروجردی و مکتب فقهی - اصولی حدیثی و رجالی وی» منتشر کردم.

اکنون بر آنم که به مناسبت برگزاری کنگره انسجام اسلامی که سال جاری (1386ش) به فرمان مقام معظم رهبری به آن نامیده شده است، در خصوص همین بعد از زندگی پربار آن حضرت به طور فشرده بپردازم.

آیت الله بروجردی همواره دم از &171#;جهان اسلام» و &171#;وحدت امت اسلامی» می‌زد و اصطلاحات دیگر مانند &171#;تقریب مذاهب»، &171#;انسجام اسلامی»، &171#;اصلاح امور مسلمین» را به کار نمی‌برد، اما اندیشه داوری او همه این مفاهیم را در بر می‌گرفت.

دیدگاه shy&های آیت الله بروجردی در مورد وحدت و انسجام اسلامی را می‌توان طی عناوینی چند مطرح کرد. اما پیش از آن یک نکته را یادآور می‌شوم، و آن این که هواخواهان وحدت مسلمین و تقریب مذاهب اسلامی همه جزء مصلحان و اصلاح طلبان روحانی، یا سیاسی جامعه بوده‌اند. کسانی که در فکر اصلاح جهان اسلام و عزت اسلامی و ترقی و تکامل و تعالی مسلمانان بوده و هستند، در تلاش فکری و عملی خود به این نقطه رسیده‌اند که تا مسلمانان متحد نباشند و جهان اسلام یک shy&پارچه نشود، اصلاح نخواهند شد و روی رستگاری را در بین جوامع بشری نخواهند دید و هر گونه اصلاح نسبت به جامعه اسلامی متوقف بر &171#;وحدت امت اسلام» است که (ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون)(1) بنابر این، آیت الله بروجردی پیش از آنکه هواخواه تقریب مذاهب باشد به طور حتم از مصلحان جهان اسلام بوده است.

1. منابع اصلاحی و تقریبی آیت الله بروجردی

ملاحظه نابسامانی اوضاع و احوال مسلمانان، سیطره کفار بر ممالک اسلامی، و غلبه روحیه عداوت و بدبینی بین مسلمانان، به اضافه وسعت اطلاعات از منابع حدیثی، فقهی، رجالی و تاریخی اهل سنت در کنار منابع شیعی، برای یک عالم اصلاح طلب، خواهی نخواهی او را به ارزیابی تفاوت shy&های دو مذهب و مآلا به فکر تقریب بین مذاهب - تا جایی که اصول و مبانی آن مذاهب اجازه می‌دهد -

1-1. مکتب اصفهان

به طور حتم آیت الله بروجردی که عمری را در کسب اطلاع از آن منابع صرف کرده بود، چنین اندیشه مقدسی را برای وی فراهم آورده بود. ولی ریشه همه این مسایل به دوران تحصیل وی در اصفهان برمی‌گردد. وی تحصیلات خود را پس از طی مقدمات در بروجرد، در حوزه علمیه عراق و جامع اصفهان گذرانیده بود و خاطرات خوشی از دوران تحصیل خود در اصفهان داشت و با وجد بر زبان می‌آورد. این حوزه هزار ساله تا آن هنگام، سنت‌های علمی پیشین را در خود حفظ کرده بود، و هنوز سنت‌های پسندیده قدما را فراموش نکرده بود، سنت‌هایی که بر علوم نقلی، همطراز با علوم عقلی، تأکید داشت به علاوه شخصیت‌های خبیر و مطلع از علم حدیث و علم رجال و تراجم و مانند آن در این شهر وجود داشتند، علومی که در دیگر حوزه‌های علمی شیعه در شرف فراموشی بود.

مکتب اصفهان، در حدود هزار سال دارای فعالیت و نشاط علمی و سابقه تحقیق در این علوم به خصوص در روزگار درخشان صفویه و مدتی پس از آن، و حلقه‌های علمی در جمیع فنون به خصوص در علم رجال و تراجم در آن دائر بود. شخصیتی مانند ابو نعیم اصفهانی (336-430) جد اعلای خاندان مجلسی، و صاحب کتاب (حلیه الاولیاء) و جز آن، بیش از هزار سال، و شخصیت دیگری به نام سید محمد باقر مولوی صاحب کتاب با ارزش #171؛ روضات الجنات فی تراجم الفقهاء و السادات» قبل از حدود 150 سال که هر دو تن در اصفهان زندگی می‌کردند و اعقاب و خاندان‌های آنان که هنوز از خاندان‌های علمی معروف این شهر از جمله خاندان علامه مجلسی که از نسل #171؛ ابو نعیم» اند تا کنون در این شهر وجود دارند.

این حوزه علمیه اثر خود را بر این طلبه جوان بروجردی با آن همه استعداد ذاتی، گذاشت و خط مشی آینده او را که بعد از او مشاهده شد ترسیم کرد؛ علاوه بر این، در بعد علمی، آن شیوه اصلاحی میان فرق اسلام را باید گفت آن را هم – در تحلیل‌هایی که من کرده‌ام – از اصفهان کسب کرد. استاد مهم او در این حوزه که از آغاز تا پایان با او دمساز بوده است، مرحوم سید محمد باقر درچه ای همین اندیشه وحدت اسلامی را داشته است، وی از خاندان معروف میر لوحی، فیلسوف معروف عصر صفویه است که با نحوه تفکر مجلسی و امثال او در جهت مخالف بوده و داستانهای آن دو عالم در کتاب‌ها آمده است.

این اندیشه اصلاحی اتحاد اسلامی و عنایت به حدیث و فقه اهل سنت، تا همین اواخر در حوزه اصفهان ادامه داشت، و چنان که معروف است مرحوم حاج آقا رحیم ارباب بر این باور بود و من جسته‌گریخته مطالبی در این خصوص از قول و عمل او شنیده‌ام، به احتمال قوی آیت الله بروجردی تحت تاثیر این طیف از عالمان بوده است.

2-1. مکتب نجف

در حوزه نجف هم که آخرین دوران تحصیلی آقای بروجردی در آن بود شخصیتی مانند مرحوم شریعت اصفهانی دارای همین قبیل اطلاعات نقلی و همین اندیشه تقریبی و اصلاحی متخذ از اصفهان بوده و گویا آیت الله بروجردی در نجف از درس او بهره برده و اجازه اجتهاد از او اخذ کرده بود که عینا در منابع یاد شده در آغاز مقاله، آمده است.

2. کوشش در راه تقریب مذاهب اسلامی

می‌دانیم اصطلاح تقریب مذاهب اسلامی را حدود شصت سال قبل، مؤسسه #171؛ دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» در قاهره مطرح کرد که گفته می‌شود اصل آن از سخنان سید جمال الدین اسد آبادی معروف به افغانی گرفته شده است. مراد از مذاهب، در تقریب مذاهب، همانا مذاهب فقهی اسلام است که عمدتاً از چهار مذهب اهل سنت یعنی؛ مذهب حنفی منسوب به امام ابوحنیفه و مالکی منسوب به امام مالک ابن انس و مذهب شافعی منسوب به امام محمد بن ادریس شافعی و مذهب حنبلی منسوب به امام احمد بن حنبل و دو مذهب شیعی امامی و زیدی است. مذهب اسماعیلی فرع مذهب امامی، و مذهب اباضی هم فرع مذاهب اهل سنت است. این مذاهب هر کدام فقهی دارند که شامل احکام عملی اسلام از ابواب فقه از طهارت تا دیات است، و در پاره‌ای از مسائل، با هم اختلاف دارند، که از اجتهاد فقهای آنان ناشی گردیده است.

#171؛ دارالتقریب» با بحث و فحص و شاید هم با توصیه آیت الله بروجردی به این نتیجه رسید که اختلاف در بحث‌های کلامی از جمله مسأله خلافت و امامت، به جایی نمی‌رسد و قابل تقریب نیستند بلکه مایه تجدید اختلافات خواهد شد، لذا، کوشش خود را روی اختلافات فقهی متمرکز کرد، که سرانجام چنان که خواهد آمد با صدور فتوای شیخ محمود شلتوت شیخ جامع الازهر وقت، به نتیجه رسید، مبنی بر این که پیروان این مذاهب می‌توانند به مذاهب دیگر از جمله مذهب امامیه اثنی عشری برگردند، یعنی از فقهای این مذاهب در احکام پیروی کنند. زیرا همه از کتاب و سنت بهره گرفته اند. بنابراین، شیخ شلتوت و دیگر اعضای آن مؤسسه در صدد شناخت و تصویب عقاید کلامی مذاهب نبودند، چنان نبوده است که برخی دچار این خطا شده‌اند و می‌گویند مذهب شیعه را شلتوت

حال باید دید که آیت الله بروجردی در زمینه تقریب فقه شیعه با فقه اهل سنت چه تدابیری را اندیشیده است.

3. تدابیر آیت الله بروجردی برای تقریب مذاهب

1-3. عنایت به فقه مقارن

آیت الله بروجردی در مسائل فقه مقارن در مسائل خلافی اهمیت می‌داد؛ یعنی معتقد بود مسائل فقهی، نه تنها در سطح مذاهب امامیه بلکه باید در سطح همه مذاهب فقهی اسلامی مورد بحث قرار گیرد و در هر مسأله مهم مورد اختلاف، ادله همه مذاهب منظور گردد. به خاطر همین امر، این مرد بزرگ کتاب «مسائل الخلاف« شیخ طوسی را با تحمل مشقاتی در تصحیح آن، چاپ کرد و گاه به گاه این کتاب را با خود به جلسه درس می‌آورد و از محل مورد نظر عبارات شیخ طوسی را می‌خواند تا طلاب کم کم به این روش عادت کنند.

این ابتکار، باعث گردید که مجتهدان شیعه علاوه بر کتب فقهی شیعه امامی به کتاب‌های فقهی دیگر مذاهب رجوع کنند، و دقت و تلاش پی‌گیر آن مذاهب را در مسائل مهم فقهی مشاهده نمایند، و ضمناً به این نکته برسند که فقه یک علم است مشترک بین همه مذاهب اسلامی که با هم پیوند دارند و در یک «shy« دیگر تأثیر متقابل داشته اند، و هم اکنون نیز می‌توانند از نظریات یک «shy« دیگر به خصوص در مسائل نوپیدای فقهی بهره ببرند، و تا کنون بسیاری از مسائل مورد نیاز عصر امروز مانند مسأله بیمه، بانکداری، پیوند اعضاء و مانند آنها را در دوره های مختلف، مورد بحث قرار داده و در چندین جلد کتاب و مجله خود نشر داده است.

آیت الله بروجردی معتقد بود با مراجعه به فتاوی رایج اهل سنت در عصر ائمه اهل بیت (ع) بهتر می‌توان روایات و اقوال ائمه را فهمید زیرا گفتار آنان با توجه به آن فتاوی صادر گردیده است. گاهی می‌فرمود: ««فقه شیعه در حاشیه فقه اهل سنت است»؛ زیرا در آن اعصار احکام مورد عمل مسلمانان همان فتاوی پیشوایان آنان بود، و راویان اصحاب ائمه با توجه به آن فتاوی، از ائمه سؤال می‌کردند و ائمه هم با توجه به همان فتاوی پاسخ می‌گفتند.

مؤید این نظریه آن است که بیشتر روایات فقهی شیعه به صورت سؤال و جواب از ائمه است، که مردم عادی این تعداد زیاد سؤال دقیق را نمی‌توانند طرح کنند. پیداست که سائلان اهل علم بوده‌اند و مسائل را از فقهای اهل سنت که با هم محشور بودند می‌شنیدند و همان‌ها را از امامان عصر خود می‌پرسیدند.

مؤید دیگر این نظریه آن است که ابو عمرو کشی معاصر کلینی (م 329ق) در کتاب معروف ««اختیار معرفة الرجال» معروف به «رجال کشی« چند تن از اصحاب بزرگ حضرت امام محمد باقر و امام صادق علیهما السلام مانند زراره، محمد بن مسلم، جمیل دراج را از اصحاب ابو حنیفه دانسته است که بر اثر ارشاد آن امام همام به اهل بیت (ع) گرویده اند و معلومات فقهی خود را پی‌پی، به آن امام عرضه می‌کرده و پاسخ ایشان را برای دیگران روایت می‌کردند.

آیت الله بروجردی مراجعه به فتاوی اهل سنت را از مقدمات فقه می‌دانست و می‌فرمود: ««قدمای ما «مساءل الخلاف« را حفظ داشتند یا فتاوی آن «shy« ها را در کتاب‌ها و درس‌های خود نقل و آنها را نقد می‌کردند. این سنت حسنه یعنی رجوع به فتاوی اهل سنت از گذشته دور تا عصر شهید ثانی (911-966 ق) و حتی پس از آن، در بین فقهای ما دایر بود و در یکی دو قرن اخیر کم رنگ و یا فراموش شده بود؛ ولی پس از آشنایی طلاب و فقها با شیوه آیت الله بروجردی رفته رفته در حوزه قم و سپس در حوزه نجف اشرف دوباره رواج پیدا کرد.

آیت الله بروجردی برای تأیید این نظریه به روش فقهی قدما از جمله شیخ مفید (م 413ق) سید مرتضی (م 436ق) و شیخ طوسی (385-460ق) اشاره می‌فرمود و از بین فقهای پیشین، به شیخ طوسی ««محمد بن حسن طوسی» معروف به شیخ الطائفه علاقه خاصی نشان می‌داد و در جلسه درس گاهی کتاب ««خلاف» و یا کتاب ««عدة الاصول» از تألیفات شیخ طوسی را می‌آورد و عبارات آن «shy« ها را می‌خواند. گاهی می‌فرمود: ««شیخ طوسی، بعضی از کتاب «shy« های فقهی خود را مانند ««مبسوط» و ««خلاف» را برای محیط جهان اسلام و بعضی مانند (نهایه) و دیگر کتب فقهی خود را برای محیط تشیع نوشته است.

ایشان در مواردی که از شیخ انتقاد می‌شد از وی دفاع می‌کرد، و می‌فرمود: (شیخ طوسی با کثرت مشاغل علمی برای این مسأله شاید پنج دقیقه بیشتر وقت صرف نکرده است) یا ««اگر کسی لحظات او را بر کارهایش تقسیم کنند به هر مسأله ای بیش از پنج دقیقه نمی‌رسد، و با این پرکاری، طبیعی است که خطا بکند» و بالاخره از کارهای مرحوم شیخ طوسی با اعجاب و تحسین یاد

می کرد و می فرمود: «نمی شود در برابر نظریات شیخ به آسانی نظر داد» و یا «شیخ طوسی هر یک از کتاب shy& هایش را برای هدف خاصی نگاشته است». اصولاً یک نوع هم اندیشی میان آیت الله بروجردی و شیخ طوسی وجود داشت که در خصوص درج روایات اهل سنت در کتاب «جامع الاحادیث» خواهیم گفت.

بار دیگر می گویم آیت الله بروجردی معتقد بودند در فقه و استنباط فقهی، باید آرای اهل سنت را بدانیم و آنچه را از منابع شیعی به دست می آوریم با نظرات و آرای آنان مقایسه کنیم، زیرا اهل سنت فقهی دارند که از کتب و سنت از طریق خودشان به اضافه ادله دیگر مانند قیاس و اجماع و جز آن shy&ها اخذ شده است و عمدتاً بر اساس یکسری از روایات و آیات شکل گرفته است؛ لهذا باید با دقت به نظرات آنان توجه شود و مقایسه صورت بگیرد، و ادله ایشان به تفصیل نقل و اگر لازم باشد نقد شود. با این پندار و طرز تفکر که علمای اهل سنت دور هم جمع شده و یکسری احکام را جعل کرده اند و ربطی به کتب و سنت ندارد، به شدت مخالفت می فرمود.

3-2. ریشه یابی مسایل اختلافی

آیت الله بروجردی مسائل مهم مورد اختلاف را ریشه یابی می کرد، زمان طرح آن مسایل را از لحاظ تاریخی و اولین باری که مطرح شده در نظر می گرفت، و ریشه اختلاف را به طور معقول و دور از احساس و بد بینی بررسی می فرمود، و نخست حدود اتفاق و اختلاف را در آن مسایل مشخص می کرد و ابتدا نقطه نظر اهل بیت (ع) آن گاه نقطه نظر اهل سنت را با متانت و بی طرفی طرح، آن گاه نظر خود را بیان کرده کوشش می فرمود که همواره این قبیل بحث ها به صورت بحث علمی و نه جدال مذهبی مطرح گردد؛ مثلاً در تحدید «قبله» می فرمود: به اجماع مسلمین و به ضرورت اسلام «کعبه» قبله است سپس در این که برای کسانی که خارج از مسجد الحرام هستند آیا عین «کعبه» یا جهت آن «قبله» است، حدود و سعه جهت را مورد بحث قرار می داد.

نیز در رعایت اول وقت نماز می فرمود: همه در اول وقت نماز اتفاق دارند و اختلاف در رعایت آن است، اهل سنت آن را واجب دانسته و تأخیر نماز از اول وقت بدون عذر جایز نمی دانند (که این یکی از دو قول معروف نزد شیعه هست از جمله شیخ طوسی همین عقیده را دارد) ایشان عقیده داشت در این مسأله اشتباهی رخ داده است.

فتوای اهل سنت از این جا نشأت گرفته است که رسول اکرم -صلی الله علیه و آله- همواره در اول وقت نماز را اقامه می کرد. پس آنان در حقیقت، سنت عملی رسول اکرم را دلیل خود می دانند غافل از این که آن حضرت امام جماعت مردم بود و باید وقت معینی را در نظر می گرفت که اول وقت بود، اما در غیر این، گاهی بدون عذر نماز را از اول وقت تاخیر می انداخت تا مردم بدانند تاخیر در اول وقت جائز است. حال، ائمه اهل بیت به این نکته توجه داشته اند و آن را به پیروان خود گفته اند هر چند در روایات بسیار، تاخیر از اول وقت، کار به شدت مکروهی است. هم shy&؛ چنین در اول وقت نماز مغرب می فرمودند: «به اتفاق مسلمین اول وقت این نماز غروب آفتاب است، اختلاف در این است که به مجرد پنهان شدن خورشید در افق، وقت داخل می شود یا باید حمره مشرقیه از زمین فاصله بگیرد تا یقین کنیم خورشید غروب کرده است، که شیعه بر آن است، پس اختلاف در علامت غروب است نه در اصل آن.

بنابر مبنای ایشان به گفته برخی: (اهل سنت از آغاز در صدد تحریف و تغییر احکام بوده اند) نباید اعتنا کرد، بلکه شبهات علمی و اجتهاد باعث اختلاف در پاره ای از مسائل شده است.

3-3. طرح یکسان کردن حج

یکی از مصادیق بارز اهتمام آیت الله بروجردی به تقریب مذاهب فقهی، طرحی است که ایشان در سال های آخر عمر به ملک سعود پادشاه وقت عربستان سعودی که به ایران آمده بود پیش shy& نهاد فرمود:

ما می دانیم که در برخی از مناسک حج بین مذهب شیعه و مذاهب اهل سنت اختلاف وجود دارد، یکی از مهم shy&ترین نقاط اختلاف، همانا حج تمتع است برای کسانی که از خارج حرم و از نقاط دور به حج مشرف و طبعاً باید از یکی از مواقف محرم شوند و پس از اعمال عمره از احرام خارج شده، آن گاه روز هشتم ذی الحجه مجدداً به احرام حج محرم شده و راهی عرفات گردند.

رسول اکرم صلوات الله علیه و آله در (حجة الوداع) فرمود: کسانی که با خود قربانی نیاورده اند مکلفند در مکه پس از عمره از احرام بیرون بیایند، اما خود آن حضرت و دیگر کسانی که با خود قربانی آورده و به اصطلاح «هدی» سوق داده بودند به احرام باقی ماندند آن گاه فرمود: اگر در آینده به حج بیایم من هم تمتع خواهم کرد، این را حج تمتع نامیده اند زیرا حجاج در بین عمره و حج از محرّمات احرام متمتع می گردند.

هنگام صدور این دستور، پذیرش آن بر بسیاری از صحابه گران آمد؛ زیرا بر خلاف معمول حج پیش از آن بود، تا این که خلیفه دوم در زمان خلافت خود به مردم فرمان داد که عمره را به حج متصل کنند و با این فرمان، حج تمتع نزد فقهای که از خلیفه تبعیت کردند از بین رفت و اکنون اهل سنت غالباً چنین عمل می کنند، هر چند از ناحیه برخی از صحابه در آن هنگام و هم اکنون از سوی مفتیان سلفی با آن مخالفت شده است، و بر حدیث «؛حجة الوداع» که به تفصیل توسط حضرت باقر از جابر بن عبد الله صحابی معروف، در کتب حدیثی اهل سنت و با سندهای آنان نقل شده عمل می کنند.

پیش shy& نهاد آیت الله بروجردی به ملک سعود چنین بود. او هدایایی برای ایشان فرستاده بود از جمله چند جلد کلام الله مجید و قطعه ای از پرده کعبه (که بعدها در اطاق پذیرایی ایشان به دیوار زده بودند). ایشان پس از دریافت آن هدایا به ملک سعود نوشتند: هدایای شما را دریافت داشتیم؛ اما رسم من نیست که از ملوک هدیه قبول کنم، لهذا هدایا را (که گویا پارچه های گران قیمت بود) برگردانیدم و جهت قداست، قرآن ها و قطعه پرده کعبه را نگهداشتیم؛ به علاوه حدیث نبوی (حجة الوداع) را برای شما فرستادم. این جریان در همان هنگام در مجله «؛رسالة المذاهب الاسلامیة» منتشر گردید، گویا ملک سعود مایل بود به ملاقات آیت الله بروجردی برود که به عللی صورت نگرفت.

حدیث مفصل «؛حجة الوداع» را حضرت امام باقر علیه السلام در جوانی در سن حدود 17 سالگی که به دیدن جابر بن عبد الله در محله «؛بنی سلمه»، در مدینه محل سکناي جابر رفته بود در حالی که نابینا بود از جابر شنیده است. فرمود: «؛جابر در آن جلسه از نام یک یک حاضران سوال کرد تا به من رسید گفتم: من محمد بن علی بن الحسین هستم، جابر بسیار محبت کرد و دست به سینه من کشید و گفت: یابن اخی (ای برادر زاده من) حضرت جریان نماز جماعت جابر را هم برای حاضران نقل، و از وی راجع به «؛حجة الوداع» سؤال کرد. جابر در آن سفر همراه رسول اکرم بوده، و بنا به نقلی زمام ناچه رسول اکرم را در دست داشته است. جابر، در پاسخ امام محمد باقر (ع) گفت: به اهلش رجوع کردی «؛علی الخبیر سقطت». آن گاه مراسم (حجة الوداع) را از آغاز تا پایان نقل کرد، که متن روایات در کتب حدیث اندکی با هم اختلاف دارند و در برخی از آن shy& ها تمام حدیث، و در برخی بخشی از حدیث است.

این جانب در آغاز انقلاب، مقاله ای به عنوان «؛حج در سنت» نوشتم که پس از نقل آرای مذاهب اسلامی در حج، به نقل حدیث حجة الوداع پرداختم و جمیع اسناد و طرق و متون آن را گرد آوردم این مقاله در «؛کتاب حج»، که از سوی وزارت ارشاد انتشار یافت، آمده است و ترجمه آن به عربی «؛الحج فی السنة» از سوی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی طی جزوه ای منتشر گردیده است.

این روایت به طرق مختلف از راویان اهل سنت به حضرت صادق (ع) می رسد و آن حضرت از پدرش حضرت باقر از جابر بن عبد الله نقل کرده و در روایات مروی از طرق شیعه نیامده است، در عوض حدیث مفصل دیگری درباره «؛حجة الوداع» در کتاب «؛کافی» کلینی از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است، و من آن دو را با هم در مقاله «؛حج در سنت» مقایسه و موارد اختلاف را بیان کرده ام. حال عرض می کنم: در این روایت داستان حج تمتع به تفصیل آمده و رسول اکرم بر فراز کوه «؛مروه» این امر را صادر، و به پشت سر خود اشاره کرد، فرمود این جبرئیل است که این امر را به من وحی کرده است.

ظاهراً منظور آیت الله بروجردی از ارسال این حدیث برای ملک سعود آن بود که در طریق روایات حجة الوداع به نقل اهل سنت دو نفر از امامان اهل بیت علیهم السلام ثبت گردیده و طبعاً برای شیعیان هم حجت است و نظر به این که در کتاب صحاح آمده می تواند نقطه وحدت در این مسأله بین فریقین باشد، و سبب گردد که مسلمان ها در عمل مهم حج هماهنگ شوند و یکسان عمل کنند.

3-4. آگاهی دادن از فقه شیعه به فقهای اهل سنت

در میان رابطه تقریب فقهی، آیت الله بروجردی کتاب نفیس «؛المبسوط» تألیف شیخ طوسی را برای شیخ عبد المجید سلیم یکی از شیوخ الازهر و از اعضای «؛دار التقرب بین المذاهب الاسلامیة» و رئیس لجنه فتوایی الازهر اهدا کرده بود و او پس از مطالعه این کتاب چنان تحت تأثیر قرار گرفته بود که در اواخر عمر گفته بود: «؛چه آن موقع که مفتی سرزمین مصر بودم، و چه بعد از آن که عضو لجنه فتوا بودم برای نظر دادن در مسایل حتماً قبل از رفتنم، کتاب «؛المبسوط» را مطالعه می کردم».

کتاب «؛مبسوط» را شیخ طوسی در مسایل تفریعی نوشته است و در آغاز آن اظهار داشته که اهل سنت ما را متهم می کنند که شما به جز یک سلسله احادیث فقهی و محتوای آن shy& ها که به صورت فقه در آمده است اجتهاد فقهی ندارید، و من بر آنم که تمامی مسایل تفریعی که اهل سنت از راه قیاس و استحسان و مانند آن فتوا داده اند در این کتاب مطرح کنم و حکم آنها را از روی کلیات کتاب و روایات اهل بیت و مانند آنها بدون استفاده از قیاس بیان کنم. این کتاب جامع، در حقیقت نخستین کتاب فقه تفریعی امامیه است، و پیش از آن به ندرت در آثار شیخ مفید و سید مرتضی و دیگران دیده می شود. کتاب «؛مبسوط» بسیار روان و منظم و مستدل و خوش عبارت است.

بنابر این، آیت الله بروجردی از طرفی اهتمام داشت که علما و فقهای شیعه با روایات و مبانی فقهی اهل سنت چنان که قبلاً گفته شد آشنا شوند، و از طرف دیگر اهل سنت نیز به روایات و فقه شیعه رجوع کنند و از آن shy&ها مطلع شوند. وی در این دو امر موفق گردید و بسیاری از اعضای shy&171؛ دارالتقريب را که از آن بحث خواهم کرد با فقه شیعه آشنا کرد، تا جایی که آنان در پاره‌ای از مسایل مهم، مانند، شرط شهادت عدلین در طلاق، موافق فقه شیعه فتوا دادند و در قانون مدنی مصر ثبت گردید.

علاوه بر این، وزارت اوقاف مصر در همان ایام کتاب shy&171؛ المختصر النافع» تألیف محقق حلی (م 676 ق) که یک دوره فقه فشرده و خلاصه کتاب shy&171؛ شرائع الاسلام» آن محقق است - با هزینه خود و با مقدمه وزیر اوقاف وقت (الشیخ احمد حسن الباقوری) چاپ کرد. مقدمه وی بر کتاب shy&171؛ المختصر النافع» در باب تقریب فقهی و مشترکات فقهی فریقین است. این دانشمند به ایران آمد و با آیت الله بروجردی دیدار کرد و شخصیت آن مرجع عالیقدر او را تحت تأثیر قرار داده بود. من در قاهره در حالی که shy&171؛ الباقوری» مدیر یک دانشکده اسلامی بود، او را ملاقات کردم و برای من یک جلسه درس و سخنرانی ترتیب داد و از شخصیت والای آیت الله بروجردی و اثری که دیدار آیت الله بر وی گذارده بود، سخن می‌گفت.

4. تقریب در حدیث شیعه و اهل سنت

4-1. حدیث ثقلین

همان shy&؛ طور که قبلاً گفته شد آیت الله بروجردی عنایتی به تقریب در مسایل کلامی از جمله در مسأله خلافت و امامت نداشت گاهی می‌فرمود مسأله خلافت مربوط به زمان گذشته است که در عالم اسلام خلافتی وجود داشت الآن بحث در آن بی فایده است و این مسأله اکنون مورد نیاز مسلمین نیست. آنچه اکنون مورد نیاز است همان احکام فقهی است که مسلمان‌ها امروز هم مانند صدر اسلام باید بدانند که احکام را از چه مأخذی بگیرند. اگر ما مطلب خود را به طور معقول در این خصوص برای اهل سنت بیان کنیم به نتیجه می‌رسیم و می‌توانیم آنان را تا حدی قانع کنیم. به خصوص که مسأله خلافت که حساسیت بر انگیز است و به دشمنی و زد و خورد می‌انجامد، از میان رفته و بحث در منابع حدیثی فقه، جدای از آن چندان حساسیتی ایجاد نمی‌کند.

حدیث ثقلین حدیثی متواتر و از تعداد زیادی از صحابه و تابعین و بر طرق عدیده و در اکثر کتب معتبر اهل سنت - علاوه بر کتب شیعه- روایت شده است حتی بنابر نقل صحیح مسلم، رسول اکرم (ص) در جریان غدیر از حدیث ثقلین سخن گفت و خلاصه آن حدیث را با کمی اختلاف در الفاظ و با وحدت معنی فرمود: shy&171؛ ائی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی».

نظر به اهمیت موضوع، هم در مصر و هم در ایران به شرحی که من در کتاب shy&171؛ زندگی آیت الله بروجردی» نوشته‌ام این حدیث مطرح گردید، تا این که یکی از محدثان قم مرحوم shy&171؛ شیخ قوام الدین وشتوی» با اشاره آیت الله طرق آن حدیث را در رساله‌ای به نام shy&171؛ حدیث الثقلین» گرد آورد و shy&171؛ دارالتقريب آن را عیناً بدون دخل و تصرف چاپ و منتشر کرد. و بار دیگر آن رساله را ما در shy&171؛ مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» همراه توضیحاتی به قلم من به صورت افست منتشر کردیم و هر کس مایل باشد می‌تواند جهت وقوف بر اعتبار و صحت آن حدیث، به آن رساله مراجعه نماید. لازم است بدانیم انتشار این رساله در قاهره از سوی shy&171؛ دارالتقريب» حتماً با تصویب شورای عالی آن مؤسسه که کسانی مانند شیخ عبد المجید سلیم و شیخ محمود شلتوت و دیگران در آن عضویت داشتند، صورت گرفته است. و قهراً در آن دیار و در بین استادان الأزهَر شایع شده است.

در حدیث متواتر ثقلین رسول اکرم، عترت و اهل بیت خود را برای همیشه تا قیامت در ردیف کتاب خدا، مرجع مسلمانان دانسته، پس همانطور که قرآن حجت باقی است عترت هم حجت باقی است پس طبعاً باید مراد از عترت افراد خاصی باشند که مانند قرآن از خطا مصون باشند و نه هر سیدی از ذریه آن حضرت. من در توضیح این قبیل نکات در ذیل رساله حدیث الثقلین که از سوی مجمع جهانی تقریب تجدید چاپ گردید، مشروحاً بحث کرده‌ام.

تأثیر حدیث ثقلین بر فقهای اهل سنت

این حدیث که از لحاظ متن و سند قطعی، و محتوای آن، یعنی حجیت و سندیت ائمه اهل بیت بسیار روشن است، در حقیقت تکانی به اندیشه فقهی افراد منصف از فقها دارد، و اینک نمونه‌های آن:

مرحوم علامه محمد تقی قمی دبیر کل دارالتقريب نقل کرد: شیخ عبد المجید سلیم که راجع به او بحث خواهم کرد می‌فرمود: shy&171؛ مذهب شیعه امامیه از صاحب شریعت به خصوص مدرک دارد، اما مذاهب دیگر مدرک خاص ندارند.» معنای این سخن آن است که shy&171؛ حدیث الثقلین»، مسلمان‌ها را به عترت رجوع داده، و فقه امامیه مأخوذ از عترت است، در حالی که مذاهب دیگر، فتاوی‌ای پیشوایان مذاهب است که چنین دلیل خاص ندارند.

نمونه دیگر، که برای ما شیعیان بسیار با ارزش است همان فتوای شیخ شلتوت است که به احتمال زیاد پس از اطلاع وی از «؛حدیث ثقلین» و به استناد آن صادر گردیده است.

داستان آگهی شیخ شلتوت از این حدیث را مرحوم قمی چنین نقل می‌کرد: هنگامی که یک شماره از مجله «؛رسالة الاسلام» را در چاپخانه کنترل می‌کردم دیدم آقای شلتوت در خلال تفسیر خود - که مرتباً در آن مجله منتشر می‌گردید - حدیث ثقلین را به گونه دیگر که نزد اهل سنت شایع است (کتاب الله و سنتی) آورده است، از همان جا به وی تلفن کردن و گفتم: شیخنا این حدیث با طرق فراوان چنین آمده (کتاب الله و عترتی) شیخ فرمود: در حاشیه بنویسید: (و جاء فی بعض الطرق «؛کتاب الله و عترتی» لا شک أن عترته یحملون سنته) - که هم اکنون این حاشیه وجود دارد - پس شیخ شلتوت این حدیث را با هر دو متن پذیرفته و به گونه ای آن دو را با هم جمع کرده است. من در ذیل رساله «؛حدیث ثقلین» را در خصوص اختلاف این دو متن بحث کرده ام، باید گفت: مجرد انتشار این حدیث از سوی دارالتقرب خود گواه اندیشه اعضای آن است.

باری، آیت الله بروجردی چه در درس و چه در جلسه حدیث بر این حدیث ثقلین تأکید داشت و گاه به گاه آن را در درس مطرح و پیرامون آن بحث می‌کرد، بدون این که به موضوع درس ارتباط داشته باشد و همان طور که گفتم می‌فرمود: «؛بحث در خلافت حالا بی‌فائده است ولی بحث در اعتبار فتاوی و آراء عترت به استناد همین حدیث، مورد نیاز امروز جامعه اسلامی است» سخن آن بزرگرمرد بسیاری از فضلاء حوزه و علمای خارج حوزه را قانع کرد.

2-4. اهتمام به درج روایات فقهی اهل سنت در کتاب (جامع الاحادیث الفقهیة)

این کتاب یک دوره حدیث کامل فقهی است که زیر نظر آیت الله بروجردی به کوشش جمعی از شاگردان ایشان از جمله این جانب تألیف گردید و چند بار چاپ شده است و من به تفصیل در کتاب «؛زندگی آیت الله بروجردی» درباره آن بحث کرده‌ام در خلال تألیف، وقتی که به کتاب «؛الصلاة» رسیدیم یک روز ایشان در جلسه حضور یافت و در حالی که کتابی در دست داشت: فرمود: «؛شما در ذیل هر باب روایات اهل سنت را از روی همین کتاب بنویسید، تا معلوم شود ما شیعیان چه مقدار حدیث از طریق ائمه داریم و آنshy«؛ها چه مقدار»، همچنین اضافه فرمود: «؛تعداد روایات شیعه در فقه خیلی بیشتر از روایات آنان است منتها آنها روی صحاح و روایات خود از لحاظ سند و متن بیشتر از ما کار کرده‌اند».

در جلسه حدیث، از روی همان کتاب، احادیث کتاب طهارت را ضمیمه کتاب کردند و به کتاب «؛الصلاة» رسیدند که ناگهان ایشان در جلسه حاضر شدند و به خاطر عکس العمل مخالفین این فکر، اظهار تردید کردند و مسأله مبهم باقی ماند، تا در جلسه دیگری - به شرحی که در آن کتاب نوشته ام - به طور قطع منصرف گردید و دستور داد که آن احادیث را از کتاب خارج کنیم. در آن جلسه که فرزند ایشان سید محمد حسین بروجردی حاضر بود فرمود: محمد حسن می‌گوید مردم خواهند گفت: علمای شیعه زحمت کشیده اند و احادیث اهل سنت را از احادیث شیعه خارج کرده‌اند و حالا ما داریم دوباره آن احادیث را وارد کتاب حدیث می‌کنیم. محمد حسن راست می‌گوید من می‌ترسم کتاب متروک گردد.

پس از آن دیگر در بقیه کتاب، احادیث اهل سنت را نیاوردیم و آنچه را هم ضبط کرده بودیم حذف کردیم. من گفتم یک نوع هم اندیشی میان شیخ طوسی و آیت الله بروجردی وجود داشت، از جمله همین مسأله بود. شیخ طوسی در خاتمه کتاب «؛تهذیب الاحکام» که یکی از اصول اربعه ما است نوشته است: «؛من در ابتدا روایات اهل سنت را هم ضمیمه کردم؛ ولی دیدم کتاب خیلی طولانی می‌شود، لذا آنها را حذف کردم». همان طور که گفتم آیت الله بروجردی میان فقه و حدیث اهل بیت و احادیث و فتاوی اهل سنت رابطه قائل بود و اعتقاد داشت روایات ایشان با توجه به آن روایات و فتاوی صادر شده است و اطلاع از آنها برای درک درست روایات ائمه لازم است. و از این راه بر پیوند فقه مذاهب اسلامی از جمله فقه امامیه با فقه اهل سنت تأکید می‌فرمود.

5. حمایت از دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیة

دارالتقرب در سال 1327 شمسی از سوی جمعی از بزرگترین علمای اهل سنت و مذاهب مختلف و علمای شیعه و با کوشش فراوان مرحوم علامه شیخ محمد تقی قمی که سال‌ها در لبنان و مصر اقامت داشت و با دبیر کلی وی شکل گرفت، و در آن هنگام در کل جهان اسلام با اهمیت فراوان تلقی گردید. اعضای آن از اساتید الازهر مانند شیخ عبدالمجید سلیم، و شیخ محمود شلتوت، شیخ ابو زهره، حسن البنا، و دیگران و یکی از علمای زیدیه یمن، و از علمای شیعه، مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در نجف، مرحوم سید شرف الدین و مرحوم شیخ محمد جواد مغنیه در لبنان بودند.

دارالتقرب دارای آیین نامه مشخصی بود که در آن هنگام آن را در کشورهای اسلامی و بین علمای نامی منتشر کردند و از جمله برای والد من که واعظ معروفی بود فرستادند که من آن را خواندم و دائماً از راه مجله «؛رسالة الاسلام» از جریان‌ها و اخبار دار

مجله رساله الاسلام، زبان گویای آن مؤسسه بود که از بهترین مجلات اسلامی شمرده می شد و مقالاتی از اعضای آن مؤسسه از جمله تفسیر قرآن به روش ابتکاری به قلم شیخ محمود شلتوت شیخ الازهر و مقالاتی به قلم شیخ عبد المجید سلیم و کاشف الغطاء و شیخ مغنیه و گاهی از سید شرف الدین و سید هبة الدین عالم شیعی عراقی و دیگران در آن درج می شد. از این مجله فقط تعداد 60 شماره منتشر شد که ما در مجمع جهانی تقریب آنها را در 15 جلد منتشر کردیم و برای دانشمندان ارسال داشتیم، این مجله تا آخر حیات آیت الله بروجردی ادامه داشت و بعداً تعطیل گردید و کار دار التقريب متوقف شد که علت آن چنین است:

مرحوم آیت الله بروجردی به شرحی که در کتاب #171؛ زندگانی آیت الله بروجردی» به تفصیل آمده به آن مؤسسه کمک مالی و هم کمک علمی می کرد و با درگذشت آن مرد این کمک ها قطع شد و کارهای دار التقريب که موقوف بر آن کمک ها بود متوقف گردید.

مرحوم قمی دبیر کل دار التقريب با آیت الله بروجردی رابطه نزدیک داشت و مورد لطف و عنایت و اطمینان و امید ایشان در پیشرفت اندیشه تقریب بود و من که در جمع مؤلفین حدیث در منزل آیت الله هر روز رفت و آمد داشتم بارها می دیدم مرحوم قمی همراه مرحوم ابن الدین از علمای روشنفکر به تهران می آمدند و به انتظار می نشستند، و بعداً ب حضور آیت الله می رسیدند. من بعداً با مرحوم قمی رابطه و آشنایی پیدا کردم و بسیاری از مطالب را درباره دار التقريب و اعضای آن از وی شنیده ام.

6. جلوگیری از اهانت به خلفا و بزرگان اهل سنت

در این خصوص دو خاطره را یاد می کنم: یکی آن که یک روز در جلسه حدیث حضور یافت و فرمود: #171؛ کسی کتابی نوشته و تا توانسته به خلفا بد گفته است نام من را هم در آغاز کتاب برده است، من دستور دادم تمام جلد های آن کتاب را جمع کنند. ما در چه زمانی زندگی می کنیم؟ این حرف ها چه فائده ای دارد جز ضرر و ایجاد عداوت؟

خاطره دیگر، یک روز به یکی از طلاب فاضل اصفهان خطاب کرد که این چه وضعیت و حادثه ای است که در اصفهان اتفاق افتاده است؟ ظاهراً در آن شهر، تظاهراتی از سوی برخی از مردم متدین علیه یکی از علمای روشن اندیش و توأم با اهانت به خلفا و اهل سنت صورت گرفته بود. آن طلبه اصفهانی سبب و انگیزه آن تظاهرات را بیان کرد از این قبیل حوادث می توان به اندیشه تقریبی آیت الله بروجردی پی برد.

7. تأسف از انقراض خلافت عثمانی

ایشان در حضور یکی از کسانی که از ایران در سمینار فلسطین در قدس شرکت کرده بود جهت کمک به مردم فلسطین، پس از وقوع بر بی نتیجه بودن آن اجتماع فرمود: تا وقتی خلافت عثمانی وجود داشت این قبیل مشکلات قابل رفع بود ولی حالا خیر.

بار دیگر از کوشش های آیت الله بروجردی در راه وحدت اسلامی و مبارزه با عوامل خلاف و تفرقه از ایشان تقدیر می کنیم و باید اعتراف کنم که آنچه گفته شد نمونه ای از عنایت و اهتمام او به امر مهم وحدت اسلامی است.

سایت آیت الله بروجردی